

● آیا تاکنون شخصی را سراغ داشته‌اید که از تنگدستی و فلاکت به لوج شهرت و کلمیابی رسیده باشد؟ آیا کسی را می‌شناسید که از دوران تلخ کودکی و نوجوانی، سرمایه و پشتوانه‌ای بی‌بديل برای خود تأمین کند؟ آیا انسانی را به یاد دارید که از کمبودها، تلخ‌کامی‌ها و ناملايمات زندگی‌اش، نه تنها پل پیروزی، بلکه خود پیروزی را رقم زده باشد؟ آیا می‌توانید بپذیرید که فردی با تمامی کاستی‌های زندگی‌اش، به هترمندی بزرگ تبدیل شود که جهان و جهانیان در برابر بزرگی شخصیت و استعدادش سر فرود آورد؟

● جواب «چارلی چاپلین» است! بلور ندارید؟ می‌توانید به زندگی نلمه‌اش مراجعه کنید تا ببینید او از دره بیچارگی به قلعه خوش‌بختی رسید! آری چاپلین را می‌توان از این لحاظ نیز نابغه خواند، زیرا هتر واقعی این نیست که از شرایط استاندارد به نتایج بلورنکردنی رسید، بلکه هتر اصیل آن است که از شرایط وخیم به نتایج شگفت‌انگیز دست یافت.

● او به اندازه‌ای باهوش بود که توانست با خلق شخصیتی متناسب با روحیات، فیزیک و اندامش، از بزرگان سینمای خنده‌آور هالیوود در عصر صامت شود. چاپلین با طراحی شخصیت «ولگرد»، با آن سیمای بی‌گناه و مؤدبش و همچنین انعطاف‌پذیری غیرعادی‌اش، مشهورترین شخصیت تاریخ سینما را ساخته و پرداخته کرد.

● چاپلین با رویکرد شخصیت ولگرد، دست به ساخت و بازی در فیلم‌هایی مانند «مجوم طلا»، «عصر جدید»، «دیکتاتور بزرگ» و «روشتایی‌های شهر» زد که در زمره برترین و برجسته‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای جهان هستند. چاپلین در فیلم «کودک»، با استفاده از روح بلند انسانی و دل‌سروش از محبت شخصیت «ولگرد»، فاخرترین اثر درباره سینمای کودک را رقم زد. او در این فیلم در کنار جکی کوگان در نقش جان (کودک)، نمادی از رابطه پدر و فرزندی را در حد آعلا به تصویر کشید. چاپلین در فیلم کودک نشان داد که با بهره‌جستن از کرامات و فضائل انسانی، می‌توان برای یک نوزاد بی‌پنله، سرپناه بود و او را به نهلی بادوام تبدیل کرد. او در این فیلم هوشمندانه به نوعی زندگی خود را در دوران کودکی به قاب سینما برد و یادآور شد که هیچ چیز نمی‌تواند یارای ایستادگی در برابر مهر، امید و تلاش را داشته باشد.

● چاپلین در فیلم «عصر جدید»، با قراردادن مفهوم‌های جهان جدید در کنار یکدیگر، به نقد بی‌پرده جهان صنعتی و دوران نو پرداخت. او در این فیلم ملشین‌گرایی را

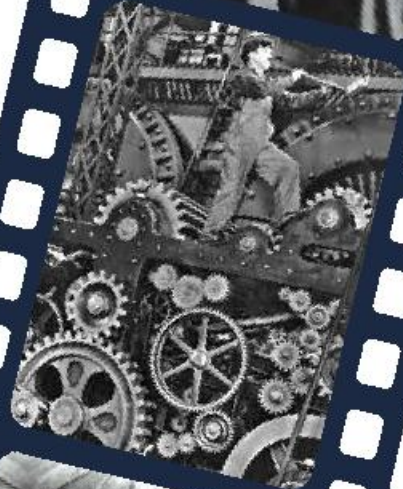
از فیلم «چاپلین و جکی کوگان در نمایی از فیلم کودک محصول سال ۱۹۲۱»



نمایی از فیلم «ولگرد» محصول سال ۱۹۱۸»



نمایی از فیلم «عصر جدید» محصول سال ۱۹۲۶»



نمایی از فیلم «مجوم طلا» محصول سال ۱۹۲۵»



عُجُوبَةُ وَلْتَرْد

به سُخره گرفت و اذعان کرد که نیای تازه با کارخانه‌های صنعتی‌اش، با سلمان‌های اجتماعی‌اش و هیاهوی ظاهری‌اش حتی توانایی پاسخ‌گویی به تأمین شغل و نیاز مالی انسان‌ها را ندارد.

● چاپلین در اثر قاخر دیگر خود، «دیکتاتور بزرگ»، سرزنی تند و نکوهشی تأمل‌برانگیز به تملیت خواهان و سلطه‌طلبان جهان وارد کرد. او در این فیلم نقش آدنوید هایتیکل را که نمادی از آدولف هیتلر بود، در کنار نقش بنزیتو ناپالونی که جک آگیی عهده‌دار اجرای آن بود و اشاره به بتیتو موسلینی، رهبر فاشیست جمهوری اجتماعی ایتالیا داشت، ایفا کرد و هر دوی آن‌ها را مله‌رانه در هاؤن نقد کوبید.

● چاپلین در فیلم «هجوم طلا»، حرص و ولع سیری‌ناپذیر انسان‌های طماع را بر پردهٔ نقره‌ای به تصویر کشید. او در این فیلم نشان داد که افراد حریص برای اقتناع حس بیمارگونهٔ خود، چه افکاری را در سر می‌پروراندند، به چه مکان‌هایی می‌روند و دست به چه کارهای غیرانسانی می‌زنند. چاپلین با زیرکی ویژه‌ای در این فیلم بیان کرد که میل تمام‌نشدنی به طمع، انسان را به جتون و تباهی می‌کشاند.



احسان یارمحمدی